

نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب

از منظر اسلام و تاثیر آن بر رشد

اقتصادی

1_امیرحسین سلیمان فلاح*

2_حمیده عبدی

3_مریم آمدی

چکیده

یکی از هدف‌های اصلی تمام نظام‌های اقتصادی، به‌ویژه اقتصاد اسلامی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است. در این جهت، الگوهای گوناگون رشد اقتصادی به‌ویژه الگوهای رشد نئوکلاسیک، تفاوت در عملکرد اقتصادی کشورها را ناشی از تفاوت در عامل‌های اقتصادی مانند سرمایه (فیزیکی و انسانی) و بهره‌وری می‌دانند؛ در حالی که تفاوت در انباشت سرمایه و بهره‌وری خود ریشه در عامل‌هایی دارد که اقتصاددانان نهادگرا آن را ساختار نهادی هر کشور معرفی می‌کنند. در مطالعه پیش‌رو به بررسی اثر عامل نهادی در کنار عامل‌های اقتصادی دیگر بر رشد اقتصادی می‌پردازیم.

و فرضیه رابطه مثبت و معنادار بین محیط نهادی و رشد اقتصادی را بررسی می‌کنیم، عامل نهادی شامل نهادهای حاکمیتی (حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) است که به‌طور جداگانه و کلی برای کشورهای اسلامی مورد نظر از بین کشورهای با سطوح گوناگون توسعه در دوره ۲۰۰۵-۱۹۸۰ با استفاده از روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت، نتیجه‌ها نشان می‌دهد میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری دارد.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، نهادهای حاکمیتی، حکمرانی خوب،

* 1_ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

2_ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

3_ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

در صدر اسلام پیامبر با تشکیل حکومت اسلامی، کوشش فراوانی در اداره جامعه اسلامی داشتند، به ویژه توجه خاص وی در حاکمیت اسلام و قوانین اسلامی بر نهادها که امروزه در قالب نظریه‌های گوناگون اقتصادی و تکامل این نظریه‌ها، لزوم توجه به این مسائل به‌طور کامل مورد تأیید قرار گرفته است.

تا اواخر دهه نود الگوهای رشد فقط به بررسی عوامل اقتصادی مانند: سرمایه انسانی و فیزیکی، بهره‌وری، جمعیت، شرایط جغرافیایی و غیره می‌پرداختند اما این الگوها نتوانستند علت تفاوت درآمد سرانه کشورها را به‌طور کامل توضیح دهند و این به پیدایش نظریه‌های جدیدی در ادبیات رشد انجامید که رشد اقتصادی را محدود به عامل‌های اقتصادی نمی‌دانست. از جمله این نظریه‌ها، اقتصاد نهادگرایی جدید (New Institutional Economics) است که عامل نهادی (Institutional Factor) را وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد کردند و عامل‌هایی مانند نظام سیاسی، رفتار حاکمان، سیاست‌های عمومی، فرهنگ، مذهب و غیره را که در الگوهای پیشین رشد مفروض گرفته می‌شدند، از عامل‌های مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی کردند چرا که نهادها را شکل‌دهنده محیط اقتصادی در کشورها می‌دانستند و عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها را نه کمبود سرمایه بلکه نبود بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی مولد بیان می‌کردند. بنابراین در مطالعه پیش‌رو با توجه به این فرضیه که بین محیط نهادی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد برای این منظور در مقاله، عامل نهادی را در شش دسته شاخص جداگانه (حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی)، (Voice & Accountability) ثبات سیاسی، (Political Stability) حاکمیت قانون، (Rule of law) کنترل فساد، (Control of Corruption) کیفیت بوروکراسی (Regulatory of Quality) و اثربخشی دولت ((Government Effectiveness) که به شاخص‌های ترکیبی حکمرانی معروف است را با تأکید بر هر کدام از این نهادها در صدر اسلام، مورد استفاده قرار خواهیم داد و اثر هر شاخص نهادی به‌طور جداگانه ارزیابی خواهد شد. همچنین به علت اهمیت حکمرانی در عملکرد اقتصادی کشورها، شاخصی که به‌وسیله شش دسته پیش‌گفته است در نظر گرفته شده و از روی آن درباره اهمیت کیفیت حکمرانی داوری می‌شود. از

هدف‌های اصلی تحقیق پیش‌رو شناسایی نقش محیط نهادی بر فعالیت‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد چرا که براساس شواهد تجربی شکاف درآمدی و واگرایی اقتصادی کشورهای فقیر و ثروتمند با میزان انباشت سرمایه قابل توضیح نبوده است و باید تأثیر عامل‌های نهادی را بر میزان افزایش رشد اقتصادی نیز در نظر داشت. در تحقیق پیش‌رو با مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق، معرفی الگوهای گوناگون رشد اقتصادی، تحلیل و بیان فاکتورهای ساختار نهادها و رشد اقتصادی در مدل‌های گوناگون نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اسلامی، به ارائه مدل مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل نتیجه‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

برای ورود به بحث اثر عامل‌های نهادی بر رشد اقتصادی لازم است مروری بر ادبیات مطرح در این باره داشته باشیم، ابتدا به ادبیات مربوط به الگوهای رشد می‌پردازیم چرا که شناخت نقص الگوهای پیشین که به ورود نهادها به تحلیل‌های رشد انجامیده می‌تواند به درک بهتر موضوع کمک کند. در بخش دیگر به مفهوم نهاد و اهمیت آن و اینکه چرا برخی کشورها نهادهای قوی دارند اما برخی دیگر بستر نهادی مناسبی ندارند، می‌پردازیم و سپس به ذکر مواردی از چگونگی سازمان‌دهی و اداره نهادها در صدر اسلام که به رشد و توسعه اقتصادی می‌انجامد می‌پردازیم.

الگوهای رشد نئوکلاسیک و درون‌زا

الگوهای رشد نئوکلاسیک نسبت به الگوهای «کینزی» هارود و دومار گامی به پیش بود. الگوهای پیش‌گفته با دخالت دادن قیمت عوامل و جایگزینی عوامل تولید امکان ژرف‌تر کردن الگوی پیشین را فراهم ساخته توانستند مشکل بی‌ثباتی «لبه تیغ چاقو» در طرح هارود-دومار را حل کنند.

در دهه ۱۹۵۰، رابرت ام. سولو (Solow, Robert M) الگویی را توسعه داد که به صورت ابزار استاندارد مطالعه‌های مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهادهای عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش میزان نهاده از یک یا هر دو عامل تولید باشد. برون‌زا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکلاسیک جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیر گذاردن بر نرخ تعادلی بلندمدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال‌های کوتاه‌مدت بین حالت‌های به اصطلاح ثابت، باقی نمی‌گذارد. با وجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر (Romer) 1986، و لوکاس (Lucas) 1988، مطرح شدند و نرخ رشد را به طور درون‌زا به وسیله پارامترها (عوامل) داخل الگو تعیین می‌کردند. الگوهای رشد درون‌زا، در جهت‌های گوناگونی توسعه یافته‌اند، به طور مثال فرض بر اثرات خارجی سرمایه‌گذاری (به اصطلاح اثر سر ریز (Spillover)) گذاشته‌اند؛ به طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند در حالی که در سطح بنگاه اقتصادی بازدهی ثابت است. با اینکه نظریه‌های جدید رشد، رشد پایدار و پیشرفت فناوری را درون‌زا کرده‌اند اما توضیح آنها از تفاوت‌های درآمدی مشابه نظریه‌های پیش از خود است؛ برای نمونه در مدل رومر (۱۹۹۰)، کشوری در صورتی پیشرفته‌تر از دیگری است که منابع فراوانی را به اختراعات و ابداعات اختصاص داده باشد اما چه ویژگی اساسی است که دارایی و فناوری را برای پدید ساختن نوآوری ترجیح می‌دهد. پرسشی است پیش روی این مدل‌ها که قدرت یافتن پاسخ به آن را ندارند. الگوهای درون‌زای رشد و به تبع آن طرح‌شدن چنین پرسش‌هایی علاقه به ترتیبات نهادی و سیاست اقتصادی را در جایگاه عامل‌های سیاسی موثر بر رشد اقتصادی دامن زدند و به ظهور ادبیات اقتصاد سیاسی رشد جدیدی انجامید که از درهم آمیختگی نظریه جدید «رشد درون‌زا» و «اقتصاد سیاسی کلان» نوین توسعه یافته است، این دو حوزه پژوهش در نوع خود جدید هستند به طوری که، در ادبیات رشد، نکته تازه و بدیع کوشش برای

بررسی رشد اقتصادی به عنوان متغیری درون‌زا است که تحت تأثیر عوامل چندی ورای پیشرفت فنی و رشد جمعیت است. ادبیات اقتصاد سیاسی کلان عامل‌های تعیین‌کننده درونی را معرفی می‌کند که بر انتخاب سیاست اثر می‌گذارند و فراتر از دامنه الگوهای استاندارد اقتصاد کلان قرار دارند اقتصاددانان انتخاب سیاست را به صورت متغیری برون‌زا یا انتخابی از سوی برنامه‌ریز خیرخواه اجتماعی می‌پندارند. تازگی رهیافت اقتصاد سیاسی کلان تأکید بر فرایند سیاسی و درگیری‌های بین افراد به صورت تعیین‌کننده‌های انتخاب سیاسی است. ادبیات جدید اقتصاد سیاسی رشد بر مبنای نظریه‌های اقتصاد نهادگرایی جدید در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع و در اواخر دهه ۱۹۹۰ بعد از مشاهده نتیجه‌های برنامه‌های تعدیل ساختاری که سرچشمه نئوکلاسیکی داشتند به اوج خود رسید. عامل‌های سیاسی مانند: بی‌ثباتی سیاسی، کیفیت دولت، توزیع درآمد، نظام سیاسی و غیره که پیش از این مفروض پنداشته می‌شدند اکنون نقش عامل اصلی را در تبیین تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها به خود گرفته‌اند.

(Institutions) نهادها

نهاد، مفهومی گسترده است که به اشکال گوناگون تعریف شده است اما متأسفانه تعریف روشن و قابل سنجشی که بر آن اجماع باشد وجود ندارد، به گفته داگلاس نورث (North) 1377، از نهاد که جامع‌ترین است در این طیف قرار می‌گیرد و بیان می‌کند: «نهادها، قانون‌های بازی در جامعه هستند، در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن

انگیزه‌های نهفته در مبادله‌های بشری می‌شوند، چه این مبادله‌ها سیاسی باشند چه اقتصادی و اجتماعی، در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیرعقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که درباره هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می‌دهند». از این لحاظ نهادهای خوب در جایگاه پدید آورنده ساختار انگیزشی مطرح هستند که باعث کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود.

بنابراین بایستی بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شد (نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). قانون اساسی کشور، نمونه‌ای از نهادهای سیاسی است که در آن ساختار کلی از نهادهای سیاسی تعریف شده است، به طور نمونه چگونگی انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آنها را وصف می‌کند به گونه‌ای که ممکن است قدرت را به رئیس جمهور که به طور دموکراتیک انتخاب شده است بدهد یا به یک دیکتاتور، بنابراین نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و محدودیت‌های اعمال شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است، نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل‌دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند، نهادهای اقتصادی خود به وسیله نهادهای سیاسی و به طور کلی‌تر به وسیله نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند، به طور ویژه درباره توزیع منابع تضاد منافی وجود دارد و تا حدی درباره نهادهای اقتصادی. عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است که خود آن به طور معناداری به وسیله ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌شود اینکه چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد که چه

کسی قدرت سیاسی را برای پدید ساختن یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار دارد. آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیررسمی در جامعه است که در شکل دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند.

فعالیت جمعی منفعی را برای جامعه در پی دارد که با عمل فردی حاصل نمی شوند بنابراین ابتکار عمل جمعی موفقیت آمیز می تواند به صورت بهبود دهنده رفاه شمرده شود اما این عمل جمعی در کنار منافع هزینه هایی (مانند رفتارهای فرصت طلبانه و سواری مجانی در جهت حداکثرسازی منافع شخصی) را نیز در بر دارد و برای کاهش این هزینه ها ابزارهایی اجتماعی نیاز است که نهادها ابزاری مناسب برای این منظور شمرده می شوند به علت اینکه نهادها به حل مسائل مربوط به هماهنگی برنامه های کارگزاران، به ارتقای رفتارهای مشارکتی و ماورای فرصت طلبی کمک می کنند و پیامدهای خارجی کارگزاران را درونی کرده و همچنین باعث کاهش نااطمینانی در فعالیت ها می شوند، نهادها همچنین از تکوین سرمایه اجتماعی و از تجربه عمل جمعی تاریخی که به نوبه خود بر احتمال پذیرش فعالیت جمعی اثر مثبت دارد حمایت می کنند. اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سه ویژگی کلیدی رفتار انسانی هستند که تمایل به پدید ساختن مشارکت و تداوم آن در طول زمان را تحت تأثیر قرار می دهند. رابطه مدور بین اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سطح مشارکت در بین افراد را افزایش می دهد، بنابراین زمینه را برای قوه ابتکار فعالیت جمعی مهیا می کند، در این زمینه نهادها قادر به پدید ساختن مجموعه درستی از انگیزه ها هستند که می توانند برقراری رابطه دایره وار بالا را تسریع کرده و گسترش رفتارهای مشارکتی را تسهیل و مجاز کنند.

حاکمیتی و حکمرانی خوب (Good Governance)

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم بکار می رود. بانک جهانی حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می کند:

«روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می شود».

توانمند سازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی داند بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد: دولت ها می توانند با تقویت نهادهایشان،

توانمندی شان را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند. کافمن (Kauffman) و همکارانش در بانک جهانی برای بیان حکمرانی شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند که در مقاله پیش رو نیز مورد استفاده واقع شده است و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخ گوتر، کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده تر و فساد محدودتر باشد، گفته می شود که حکمرانی خوب برقرار است.

چرایی ضعف و قوت نهادها در کشورها

مطالعه‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای به نقش ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی در شکل‌گیری نهادها می‌دهند، هر چند تعدادی از این مطالعه‌ها نقش ویژگی جغرافیایی را رد نمی‌کنند با این حال بر نقش نهادها در جایگاه واسطه‌ای کلیدی ما بین اثرات جغرافیایی (نزدیکی به دریا، فاصله از بازارهای اصلی، شرایط آب و هوایی و ...)، تاریخی و عملکرد اقتصادی تأکید دارند این ادبیات، اختلاف نهادی جاری میان برخی کشورها را به الگوهای تاریخ استعماری نسبت می‌دهند؛ به‌طور مثال تفاوتی بین کشورهایی که اروپایی‌ها به مدت فراوانی استعمار کرده‌اند با آنهایی که مدت کوتاهی مستعمره بودند و یک نخبه سیاسی محلی برای مدیریت و استخراج منابع طبیعی اعمال قدرت می‌کرد وجود دارد، در مورد نخست توسعه نهادی در جهت تشویق مشارکت گسترده در فعالیت سیاسی و اقتصادی بود که باعث ابداع‌ها، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شد اما در دومی با تأکید نهادی بر حفظ قدرت و ثروت حاکم سیاسی، وضعیت برای توسعه اقتصادی پایدار چندان مناسب نبود.

عاصم اوقلو و همکاران (۲۰۰۱) به بررسی اثر اشکال گوناگون استعمار در قرون ۱۹-۱۷ بر روی نهادها می‌پردازد. آنان بین دو شکل استعمار یعنی استعمارگران ساکن (Settler Colonies) و دولت‌های چپاول‌گر (Extractive States) تمایز قائل می‌شوند به طوری که در اولی اروپاییان مهاجر به همراه خود نهادهایی مانند: حقوق مالکیت، اعمال حاکمیت قانون و حمایت از سرمایه و رشد و ... را به آنجا می‌برند (امریکا، استرالیا و نیوزلند از این نوع مستعمره‌ها هستند) اما نوع دوم استعمار به تأسیس دولت‌های محلی محدود شده و تأکید بر ساختن و تحکیم نهادها و قوانین نبوده است بلکه استخراج منابع طبیعی را مدنظر داشت (اغلب کشورهای امریکای لاتین و زیر صحرای افریقا)، سرانجام آنان بیان می‌کنند که سرچشمه استعمار اثرات پایداری بر شکل‌گیری و تقویت نهادها و به‌طور کلی بر عملکرد اقتصادی کشورهای مورد بررسی دارد.

همچنین عاصم اوقلو (۲۰۰۴) در مطالعه دیگری از عامل‌هایی مانند عقیده و تضاد اجتماعی به‌صورت منابع احتمالی دیگر تفاوت نهادی کشورها یاد می‌کند، جوامع با عقیده‌های گوناگون ممکن است نهادهای متفاوتی با استدلال‌های متفاوت انتخاب کنند. اگر جوامع گوناگون باورهای متفاوتی درباره اینکه چه چیزی از نظر اجتماعی کارا است داشته باشند آنها می‌توانند به‌طور عقلایی نهادهای گوناگونی انتخاب کنند، تفاوت‌های عقیدتی به‌طور واضح نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست‌ها و نهادها بازی می‌کنند، محیط نهادی کشور کره بعد از جنگ، مثال خوبی برای این بحث است زیرا زمانی که دو کره از هم جدا شدند دو عقیده متفاوت بر آنها مسلط شد که هر کدام به شکل‌گیری نهادهای مناسب خود در آن کشور انجامیدند. در کره جنوبی نظام سرمایه‌داری باعث تکوین نهادهایی مانند: حقوق مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار و ... شد. در برابر در کره شمالی نظام کمونیست که مخالف مالکیت خصوصی بود به شکل‌گیری نهادهایی مانند: مالکیت عمومی، تمرکز قدرت در دست دولت و قانون اقتصادی دیگر ضد نظام بازار انجامید.

بر اساس رویکرد تضاد اجتماعی، نهادها همیشه به‌وسیله کل جامعه انتخاب نمی‌شوند (و همیشه در جهت منافع جمع نیستند)، بلکه به‌وسیله گروه‌هایی انتخاب می‌شوند که کنترل قدرت سیاسی را در دست دارند (شاید در نتیجه تضاد با گروه‌های دیگر). این گروه‌ها نهادهایی را انتخاب می‌کنند که حداکثر کننده منافع شخصی‌شان باشند و نهادهایی که انتخاب می‌شوند ممکن است حداکثر کننده درآمد، ثروت و منافع کل جامعه نباشند. بعد از بررسی منابع احتمالی تفاوت نهادها در کشورهای گوناگون پرسشی تحت عنوان چرایی تداوم نهادهای ناکارآمد در برخی کشورها مطرح می‌شود. توضیحی که برای آن می‌شود بیان کرد این است که قدرت سیاسی در صورت اعمال نهادهای کارآمد زمینه قدرت‌یافتن گروه‌های مخالف را فراهم می‌کند؛ به‌طور مثال در صورتی که نخبگان سیاسیبه اعمال نهادهای کارآمدی در حوزه سیاست و اقتصاد اقدام کنند که باعث قدرتمند شدن گروه‌های گوناگون جامعه و کوتاه‌شدن دست خود از رانت‌های ویژه شود، در این صورت در حقیقت دشمن بالقوه خود را که به

علت ضعف سیاسی و اقتصادی قادر به مقابله با هیئت حاکمه نبودند تقویت می‌کند بنابراین به علت ترس از این تهدید بالقوه نخبگانسیاسی ممکن است با تغییرهای نهادی که باعث بهبود عملکرد اقتصادی شود، مخالفت می‌کنند. به همین ترتیب نهادهای ناکارآمد تقویت‌کننده خود هستند.

نهادهای و رشد اقتصادی

نهادهای عامل رشد یا رشد عامل نهادهای

ادبیات اقتصاد سیاسی رشد همواره با این پرسش بحث برانگیز همراه بوده که آیا توسعه سیاسی مبنای توسعه اقتصادی است یا بر عکس، باید توجه داشت تا به امروز پاسخ قاطعی برای این پرسش داده نشده است و دو رویکرد درباره آن مطرح است، رویکرد نخست بر بسترسازی نهادی و شروع با دموکراسی و اعمال کنترل‌های دیگر روی حکومت به صورت سازوکاری برای تأمین حقوق مالکیت تأکید دارد، با وجود چنین نهادهای سیاسی انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی و بنابراین رشد اقتصادی حاصل شود. رویکرد دوم بر ضرورت توسعه اقتصادی (انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی) جهت شروع

فرایند تأکید دارد به طور مشخص آن را لازمه دموکراسی پایدار و برپایی برخی دیگر از نهادهای می‌داند. هر دو رویکرد مبنای عقلانی گسترده‌ای دارند. اهمیت نهادسازی و محدود کردن حکومت از طرف اقتصاد نهادگرای جدید مورد تأکید واقع شده و اخیراً، ادبیات رشد اقتصادی که با کارهای ناک و کفر (۱۹۹۵) شروع می‌شود به اثرهای نهادهای خوب بر رشد اقتصادی می‌پردازد. رویکرد دوم به لیپست (Lipset, 1959) بر می‌گردد که خود وی نیز آن را به ارسطو نسبت می‌دهد. لیپست باور دارد فقط در جوامعی ثروتمند که فقر در حداقل نسبی خود است شهروندان می‌توانند آگاهانه در امور سیاسی مشارکت داشته باشند. وی همچنین بیان می‌کند که مردم آموزش دیده اختلافاتشان را به جای نزاع‌های سخت از راه گفتگو و انتخاب حل می‌کنند. گلوستر در همین جهت اشاره می‌کند که سرمایه انسانی بالا به سیاست‌های خوب و ثبات سیاسی بیشتر می‌انجامد، پیامد خارجی اصلی سرمایه انسانی نه تکنولوژیک بلکه سیاسی است؛ به طوری که دادگاه‌ها و مجامع قانونگذاری جایگزین تفنگ‌ها شده و این اصلاح‌ها باعث حمایت بیشتر از حقوق مالکیت و رشد اقتصادی می‌شود. رویکرد نخست نیز پشتوانه نظری قوی دارد و کارهای تجربی مهمی در تأیید اهمیت نهادهای بر رشد اقتصادی انجام شده است. بندسن (Bennedsen, 2005) نهادهای را شکل‌دهنده محیط اقتصادی می‌داند که شرکت‌ها و افراد در آن فعالیت می‌کنند، به طور خاص نهادهای تأمین‌کننده مشوق‌هایی برای بنگاه‌ها و افراد هستند، به طور کلی، فعالیت اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری در فعالیت تولیدی، با دو نوع بازده خصوصی و اجتماعی همراه است. بازده خصوصی (Private Return) بازدهی خالصی است که برای کارگزاری که فعالیتی را متعهد شده حاصل می‌شود، در حالی که بازدهی اجتماعی (Social Return) بازده داخلی کل برای اقتصاد است (مجموع بازدهی‌ها برای کارگزاران). مالیات بر سود، شکافی را بین بازدهی بعد از مالیات (بازدهی خصوصی) و بازدهی پیش از مالیات (بازدهی اجتماعی) پدید می‌آورد و این امر انگیزه سرمایه‌گذاری را پایین می‌آورد. نهادهای نامناسب اثر مشابهی مانند مالیات روی بازدهی افراد دارد، بنابراین نهادهای از راه به دست دادن قیمت‌های درست (Prices Rights) باعث رشد می‌شوند، یعنی بازدهی خصوصی و اجتماعی را به همدیگر نزدیک می‌کنند، به طوری که وجود نهادهای خوبی چون حقوق مالکیت خوب تعریف‌شده از راه پایین آوردن هزینه‌ها، بازدهی خصوصی مورد انتظار را به بازدهی اجتماعی نزدیک می‌کند. امروزه اهمیت نهادهای بر عملکرد اقتصادی تقریباً پذیرفته شده است اما آنچه که مهم به نظر می‌رسد وارد کردن نهادهای به تحلیل‌های اقتصادی و شناخت چگونگی اثرگذاری آنها است. چرا که اثرگذاری اغلب نهادهای بر رشد، غیرمستقیم بوده و از راه‌های متفاوتی صورت

می‌گیرد که شناخت این راه‌ها و ارتباط نهادها با همدیگر موضوعی مهمتر از خود نهادها است؛ بنابراین در این قسمت به اختصار به این موضوع می‌پردازیم.

کانال‌های اثرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی

حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی

این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است که با عنوان شاخص دموکراسی از آن یاد می‌کنیم. درباره رابطه بین دموکراسی و عملکرد اقتصادی مطالعه‌های فراوانی انجام شده که برخی قائل به اثر مثبت و برخی دیگر به اثر منفی دموکراسی بر رشد باور دارند. بارو (Bano, 1966) این رابطه را به شکل U معکوس برآورد کرده و بیان می‌کند در صورت وجود شکل کاملی از دیکتاتوری در کشور، بهبود در حقوق سیاسی به برقراری محدودیت‌هایی بر قدرت مطلقه دیکتاتور می‌انجامد که این خود باعث افزایش رشد می‌شود اما در کشورهایی که از سطوح متوسطی حقوق سیاسی دارند، افزایش حقوق سیاسی به علت تشدید توجه مردم و مسئولان به برنامه‌های تأمین اجتماعی و اشکال گوناگون توزیع مجدد درآمد باعث تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد. در حکومت‌های مقتدر لیبرال، کشورهایی که پیش از آن نظام صیانت از حقوق مالکیت و حقوق مدنی (حقوق غیرسیاسی مانند: وضعیت زندگی، قراردادهای مالکیت و ... را شامل می‌شود) پدید آمده، سازوکارها و سنت‌هایی را برای قانون و مقررات تثبیت کرده باشد، فرایند دموکراتیزه شدن با هزینه کم و منافع بیشتری همراه خواهد بود اما زمانی که دموکراتیزه شدن در حکومت مقتدر غیرلیبرال اتفاق می‌افتد در کشورهایی که نظم پدید می‌آید نه بر پایه قانون، نتیجه ایجاد دموکراسی‌های غیر لیبرال است، آنچه که در تأمین ظرفیت نهادی اشتباه است که به‌طور قابل پیش‌بینی اثر مخرب روی رشد اقتصادی دارد.

کنترل فساد

تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد عبارت است از: «سوء استفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی؛ به‌طور مثال پرداخت رشوه به مقامات دولتی، باج‌گیری در تدارکات عمومی یا اختلاس اموال عمومی» (کافمن و همکاران، ۲۰۰۶).

این شاخص مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه‌گیری می‌کند. ادبیات موجود در این‌باره زمینه وسیع بوده به‌طوری که حتی برخی بر این باور هستند که فساد از دو راه باعث تسریع رشد می‌شود: فعالیت‌های فاسدی چون رشوه، اجتناب از تأخیرات اداری را برای افراد ممکن می‌سازد. پرداخت رشوه به‌صورت نرخ کارمزدی (Piec Rate) انگیزه کارگزاران دولتی را برای کار بیشتر می‌کند اما اغلب محققان مانند مورو (Mauro) و بندسن، رویکرد بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های گوناگون باعث تضعیف رشد می‌شود، به اختصار به نمونه‌ای از این موارد در ذیل اشاره می‌کنیم:

ا. دزدیده شدن سرمایه‌های عمومی به‌وسیله افراد فاسد؛

ب. انحراف سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آنها بیشتر است (بدون توجه به میزان ضرورت پروژه)؛ فساد به‌صورت مالیات روی سرمایه‌گذاری خصوصی (به‌طور مثال مبلغ پرداختی به عنوان رشوه و ...) باعث کاهش سود و سرمایه‌گذاری می‌شود؛

ج. فساد باعث انحراف منابع به‌ویژه سرمایه انسانی از فعالیت‌های نوآورانه به فعالیت‌های غیرمولد و مضر مانند: دزدی، رانت‌جویی و ... می‌شود ((بندسن، ۲۰۰۵).

ثبات سیاسی

بیانگر مفهوم‌هایی مانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است. اغلب مطالعه‌های اخیر بیان می‌کنند بی‌ثباتی سیاسی از راه از بین بردن امکان سرمایه‌گذاری باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود (همو، ۲۰۰۶).

بی‌ثباتی سیاسی از کانال سرمایه و نیروی کار می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد و مطابق پیش‌بینی این اثر منفی است؛ به‌طور مثال نااطمینانی سیاسی با بی‌ثباتی سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز افزایش می‌دهند. در واکنش به این، نرخ جانشینی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و احتمالاً با بهره‌وری بالا به وسیله طرح‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و با بهره‌وری پایین افزایش می‌یابد. افزون بر این، ناکارآمدی تولیدی پدید آمده به واسطه بی‌ثباتی سیاسی، مانند تجزیه جدول زمانی سرمایه‌گذاری، تولیدهای نهایی متناظر داده‌های تولیدی را کاهش خواهد داد. نتیجه‌گیری می‌شود که تمام شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی (کودتاهای کامیاب و غیر کامیاب ...) از راه اثر منفی خود روی تولید نهایی سرمایه، رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (همان).

حاکمیت قانون

اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال کامیابی در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. بارو (۱۹۹۹) درباره اثرهای اقتصادی نهادهایی مانند حقوق مالکیت و نظام قضایی می‌گوید: «از آنجایی که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، فقط در صورتی به بر عهده گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند که احتمال منطقی از منتفع شدن از کوششان موجود باشد، بنابراین اگر حقوق مالکیت خوب تأمین نشده باشد؛ به‌طور مثال به علت جرم و جنایت بیشتر، نرخ‌های بالای مالیات یا احتمال بالای مصادره اموال به‌وسیله دولت - مردم به کاهش کوشش و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند» ((بارو، ۱۹۹۹).

کیفیت بوروکراسی

این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی مانند: مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، دسترسی به بازارهای سرمایه است. مقررات کارا هدف‌های رفاه اجتماعی وضع شده به‌وسیله دولت را با هزینه کمتر محقق می‌سازد. هزینه‌های اقتصادی بوروکراسی اداری به دو شکل کلی نمایان می‌شود:

أ. هزینه‌های مستقیم مدیریت نظام قانون‌گذاری، که در داخل دولت و از راه تخصیص‌های بودجه‌ای در قالب‌های مقرراتی درونی شده؛

ب. هزینه‌های پذیرش مقررات، که برای قانون‌گذار برون‌زا است و بر دوش تولیدکننده و مصرف‌کننده می‌افتد به‌صورت انطباق با قوانین یا طفره‌رفتن از پذیرش آنها (همان).

اثربخشی دولت

کارایی یا اثربخشی دولت با سیاستگذاری و اجرا به وسیله دولت برای حمایت نظام بازار مورد توجه واقع شده، همچنین به توانایی دولت در قانون گذاری، داوری دادگاه ها، تصمیم های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ گویی و شفافیت اشاره می کند، افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می کند (عاصم اوقلو، ۲۰۰۴).

دیدگاه اسلام

دولت در هر نظام اقتصادی نقش و وظیفه خاصی دارد، در نظام سرمایه داری این نقش به حداقل رسیده، در حالی که در نظام سوسیالیسم، دولت، مدیریت سیاست های کلی اقتصادی و اجتماعی را به عهده داشته و حداکثر دخالت در اقتصاد را دارد، در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته ای دارد، نقش دولت، پدید آوردن وضعیتی است که مردم بتوانند مطابق هدف های عالی اسلام زندگی کنند (بناء رضوی، ۱۳۶۷: ۲۰۰).

تاریخ نشان می دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم مطرح بوده و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است (موسویان، ۱۳۸۰: ۵۷). مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی در صدر اسلام عبارت بودند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، عمران و آبادانی، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اقتصادی، برنامه ریزی برای حرکت به سمت اشتغال کامل، تأمین اقتصادی، توازن اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی (همان).

با نگاهی دقیق به وظایف اقتصادی دولت در اسلام پی می بریم که اسلام به عامل های نهادی اثرگذار بر رشد اقتصادی توجهی خاص داشته و با رهنمودهایی که دارد شیوه صحیح اداره اقتصاد را به منظور رسیدن به رشد اقتصادی نشان می دهد، که نمونه هایی از این رهنمودها در قالب شش عامل نهادی مورد نظر مقاله در ذیل بیان شده اند: حق اظهار نظر و پاسخ گویی در صدر اسلام در زمان صدر اسلام، اداره سیاست عمومی تحت رهبری و نظارت کامل پیامبر اکرم بوده که خط مشی ها، تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها از سوی حضرت و با مشورت با بزرگان صحابه صورت می گرفت (ابوعبید، ۱۳۸۸: ۳۸۵ - ۳۸۳). پیامبر اکرم اسلام در مدینه تعداد چهارده تن از بزرگان صحابه خود اعم از مهاجرین و انصار را در کمیته ای متشکل کرده بود. حضرت از اعضای کمیته پیش گفته جهت مشورت و مذاکره در امور حکومت و مسائل جاری مسلمانان بهره می گرفت. هر یک از اعضا افرادی را در اختیار داشتند که به وسیله آنها از اوضاع و مسائل مسلمانان دیگر خبردار می شدند و به این وسیله ضمن کمک به پیامبر در مشورت های حضرت با آنان، در رفع مخاصمه ها و حل و فصل دعاواها بین مسلمانان اقدام می کردند (کتانی، بی تا: ۱، ۵۸).

کنترل فساد در صدر اسلام

جلوگیری از برخی منکرات که جنبه اقتصادی دارد و در سطح جامعه شیوع می یابد، بدون استفاده از قدرت قانونی ممکن نیست؛ به طور مثال، مقابله با احتکار، رباخواری، معامله های باطل و حرام، مانند: خرید و فروش شراب، گوشت خوک و ... از توان تک تک افراد جامعه بیرون است؛ بنابراین اقتصاد کشور اسلامی نیاز به ناظرهایی دارد که بر روند فعالیت های اقتصادی نظارت داشته باشند. به همین علت پیامبر اکرم فردی را به عنوان عامل خود و ناظر بر بازار مکه تعیین کردند (همان: ۱، ۲۵۸). همچنین با توجه به اینکه اصلی ترین هدفی که پیامبر برای آن برانگیخته شده، تربیت و هدایت انسان و رسانیدن وی به جوار

قرب الاهی است، بنابراین با تقویت ارزش‌های معنوی افراد و با کنترل افرادی که وظیفه اجرایی از طرف دولت دارند از فساد جلوگیری می‌شود.

ثبات سیاسی در صدر اسلام

حفظ امنیت اجتماعی و سیاسی، بدون آمادگی نظامی و قدرت بازدارندگی ممکن نیست. تردیدی نیست که جهاد چه به صورت ابتدایی که در صدر اسلام برای دعوت به اسلام انجام می‌شد و چه به صورت جهاد دفاعی که در تمام زمان‌ها اتفاق افتاده، نیازمند دخالت دولت است، پیامبر اکرم بیش از هر امر دیگری، به تقویت مجاهدان در راه اسلام اهمیت می‌داد. تقسیم چهار پنجم غنایم بین شرکت‌کنندگان در جهاد، مایه تشویق و تقویت مجاهدان بود. مصرف بخشی از مالیات‌هایی که در اختیار حضرت بود، مانند اموال بنی‌نضیر، برای خرید سلاح و مرکب مورد نیاز در جنگ‌ها، در همان هنگامی که برخی از مسلمانان دچار تنگدستی بودند، نشانه اهمیت جهاد بود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۵).

از سوی دیگر در صدر اسلام، اعراب به منظور به دست آوردن منابع و ثروت یکدیگر به جنگ و خونریزی می‌پرداختند و اختلاف قبیله‌ای و نژادی در میان اعراب شایع بود. اسلام با نفی تمام تبعیض‌های نژادی، قومی، زبانی و ...، مسلمانان را برادر یکدیگر دانسته و تفاوت افراد را در میزان تقوای آنها می‌داند. از این رو پیامبر اکرم با برقراری حکومت اسلامی، به مبارزه با این اختلاف‌ها پرداخت و ثبات سیاسی را برقرار ساخت.

حاکمیت قانون در اسلام

یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت اقتصادی در سطح جامعه است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که هراس و بیمی درباره حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند. پیامبر اکرم در کنار وظایف خود، به رفع اختلاف و دعوای مردم پرداخته و میان آنها قضاوت می‌کرد. همچنین حضرت در سال فتح مکه افرادی را جهت قضاوت بین مردم به یمن فرستاد و نیز امیر مؤمنان علی و محمد بن مسلمة را جهت اقامه حدود الاهی بهسوی اقوامی اعزام کرد (کتانی، بی تا: ۱، ۴۳).

کیفیت بوروکراسی در صدر اسلام

در صدر اسلام برای این منظور از دو راهکار استفاده می‌شد:

أ. تصحیح کارکرد بازار: به معنای لحاظ کردن مجموعه‌ای از شرط‌ها، در خریدار و فروشنده، دو کالای مبادله شده با هم و نیز رعایت احکام خیارانی که در اثر عیب، غبن، نادیده خریدن و ... پدید می‌آید. پیامبر اکرم برای تصحیح روند مبادله‌ها در بازار مسلمانان فرمود: «اول یادگیری احکام دین، آنگاه خرید و فروش» (غفاری، ۱۳۸۶: ۵۷).

ب. تسهیل سازوکار بازار: پیامبر اکرم خوش داشت محدودیت‌های مصنوعی و فعالیت واسطه‌ها، باعث افزایش قیمت‌ها و در رنج افتادن مسلمانان شود (مالک، ۱۳۸۲: ۶۳).

اثر بخشی دولت در صدر اسلام

زمانی دولت در زمینه اقتصادی کارا خواهد بود که بتوان به هدف دولت‌ها در مداخله اقتصادی پی برد. دولت‌ها با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در روابط اقتصادی دخالت می‌کنند، برای دستیابی به عدالت اقتصادی در صدر اسلام چند راهکار استفاده شد:

ا. فراهم‌ساختن فرصت‌های برابر برای همه مردم در تولید و تجارت؛

ب. جلوگیری در گرد آمدن ثروت‌های حرام؛

ج. گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به بینوایان (کتانی، بی‌تا: ۱، ۴۶).

در دو دهه اخیر که از عمر ادبیات اقتصاد سیاسی جدید رشد سپری می‌شود مطالعه‌های تجربی فراوانی درباره اهمیت عامل‌های نهادی بر رشد اقتصادی انجام شده است. اغلب مطالعه‌های پیش‌گفته با شاخص‌های نهادی گوناگون بیانگر ارتباط معنادار نهادها با رشد اقتصادی هستند، در جدول ۱ به چند نمونه مهم از این مطالعه‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول ۱: خلاصه برخی مطالعه‌های تجربی انجام‌شده درباره نهادها و رشد اقتصادی

پژوهشگر	شاخص‌های نهادی مورد استفاده در مدل	اثر شاخص‌های نهادی روی رشد
Butkiewicz L. James and Yanikkaya (2006)	حاکمیت قانون و دموکراسی	هر دو اثر مثبت
Vijayaraghavan Maya and Ward A, William (2002)	تأمین حقوق مالکیت، دموکراسی، حکمرانی و اندازه دولت	اندازه دولت و تأمین حقوق مالکیت به ترتیب اثر منفی و مثبت معناداری دارند
Barro, R. J (1996)	حاکمیت قانون، دموکراسی و ثبات سیاسی	اثر دموکراسی غیرخطی و به شکل U معکوس و اثر حاکمیت قانون مثبت و معنادار و همچنین بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی دارد
Knack, Stephen, Philip Keefer (1995)	ریسک مصادره سرمایه‌ها به‌وسیله دولت، احتمال رد قراردادهای طرف	دولت و فساد اثر منفی و معنی داری دارند
Polterovich victor and popov Vladimir (2006)	دموکراسی و حاکمیت قانون	در صورتی که نظم و قانون در آن کشور موجود باشد هر دو اثر مثبت خواهد بود
Mauro, P (1995)	ثبات سیاسی، کارآمدی بوروکراسی (میانگینی از نظام قضایی، کاغذ بازی و فساد)	هر دو اثر مثبت

ارائه مدل و آزمون فرضیه تحقیق

معرفی الگو

در اغلب مطالعه‌هایی که اخیراً درباره رشد اقتصادی انجام گرفته، شکل تعمیم‌یافته الگوی سولو که شامل عامل نهادی نیز است به عنوان الگوی مناسب مورد استفاده واقع شده است از طرفی در تحقیق پیش‌رو براساس فرضیه مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری بین محیط نهادی و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود و از روش بوتکیویکز و یانیکایا (Butkiewicz & Yanikkaya)

Yanikkaya, 2006) در تعمیم الگوی سولوو ترکیب این دو مدل با استفاده از برآورد بهینه متغیرهای گوناگون به صورت ذیل مورد استفاده قرار می دهیم:

$$Y_{it} = Z_0 + x_{initial}GDP_{it} + a_2 Kit + a_3 Hit + G_4 Zit + U_{it}$$

که در آن: Y_i : رشد درآمد سرانه واقعی کشور (i)

$initialGDP_{it}$: درآمد سرانه واقعی اولیه که در اینجا GDP مربوط به سال ۱۹۸۰ لحاظ شده در کشور (i)

Kit : سهم سرمایه گذاری سالانه هر کشور از GDP سالانه آن که به عنوان سرمایه فیزیکی در کشور (i): Hit میزان امید به زندگی در بدو تولد که به عنوان شاخص سرمایه انسانی مورد استفاده در کشور (i)

Zit : برداری از متغیرهای نهادی حاکمیتی (شامل شش شاخص: حق اظهارنظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی، کنترل فساد، حاکمیت قانون، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت) به طور جداگانه و شاخص کلی حکمرانی خوب که میانگین شش شاخص در هر کشور (i): U_{it} جمله پسماند الگو و a_i اندیس مربوط به کشورها است. داده های مربوط به نرخ رشد GDP، GDP اولیه و سهم سرمایه گذاری از GDP از Penn world table (2-6) و داده های سرمایه انسانی از استرلی و میروات (2002) Easterly & Miravat، به دست آمده اند، همچنین داده های مربوط به نهادهای حاکمیتی از کافمن و همکاران (۲۰۰۶)

است. این داده ها از ۵/۲- تا ۵/۲ رتبه بندی شده و مقدار بیشتر بیانگر کیفیت بهتر نهادها و در کل بیانگر حکمرانی خوب است داده های مربوط به هر شاخص برای هر کشور به صورت متوسط دوره بررسی محاسبه و اعمال شده است.

نتیجه های تخمین الگو

روش مورد استفاده در این تحقیق برای برآورد الگو، داده های ترکیبی است. با توجه به بین کشوری بودن داده ها، ناهمسانی واریانس اجزای اخلاص به روش وایت (Whites General Heteroscedasticity Test) مورد آزمون قرار گرفته و نتیجه ها از عدم وجود ناهمسانی واریانس حاکی بودند. همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده شاخص های نهادی با همدیگر همبستگی بالایی دارند که تخمین آنها در معادله رگرسیون واحد را ناممکن می سازد. بنابراین جهت دوری از این مشکل شکل پایه ای از مدل که همان شکل تعمیم یافته الگوی سولو بدون عامل نهادی است در نظر گرفته شده و در معادله های جداگانه ای هر کدام از شاخص های نهادی اضافه و تخمین زده می شوند، در مجموع هشت معادله خواهیم داشت. نتیجه های تخمین ها در پیوست آمده است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین متغیرهای نهادی در داده های ترکیبی

| متغیرها | آزادی های مدنی | حقوق سیاسی | حق اظهارنظر و پاسخ گویی | کنترل فساد | حاکمیت قانون | ثبات سیاسی | کیفیت بوروکراسی | کارآمدی دولت | آزادی های اقتصادی | تکرر قومی |

| آزادی های مدنی | ۰۹۳ | ۱ | ۹۱/۰- | ۶۲/۰- | ۶۳/۰- | ۶۷/۰- | ۷۲/۰- | ۶۵/۰- | ۶۸/۰- | ۲۵/ |

| حقوق سیاسی | | | ۹۴/۰- | ۶۱/۰- | ۶۱/۰- | ۵۴/۰- | ۷/۰- | ۶۲/۰- | ۶۴/۰- | ۳۶/ |

| حق اظهارنظر و پاسخ گویی | | | ۷۹ | ۷۸ | ۶۷/۰ | ۰۸ | ۰۸ | ۷۳/۰ | ۳۳/۰- |

| کنترل فساد | | | | | ۰۹۷/۰ | ۷۵/۰ | ۸/۰ | ۹۷ | ۸۵/۰ - | ۲۸/۰ -

| حاکمیت قانون | | | | | ۷۹ | ۸۹ | ۹۷/۰ | ۸۵/۰ - | ۲۸/۰ -

| ثبات سیاسی | | | | | ۷۱/۰ | ۷۵ | ۰۷۴ | ۰۸/۰ -

| کیفیت بوروکراسی | | | | | ۷۵/۰ | ۷۴۰ | ۲۸/۰ -

| کارآمدی دولت | | | | | ۸۶/۰ | ۲۵/۰ -

| آزادی‌های اقتصادی | | | | | ۱۶/۰ -

| تکثر قومی | | | | | ۱۱

جدول ۳: برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرهای مؤلفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در

کشورهای اسلامی در حالت کلی

| متغیر | معادله اول | معادله دوم | معادله سوم | معادله چهارم | معادله پنجم | معادله ششم | معادله هفتم | معادله هشتم |

| ثابت | ۰۸/۱۴ - | ۵۷/۲ - | ۸/۱۳ - | ۵/۲ - | ۵/۱۱ - | ۱۵/۲ - | ۶/۱۱ - | ۱۷/۲ - | ۵۹/۱۰ - | ۰۴/۲ - | ۲۱/۱۲ - | ۲۳/۲ - | -

| ۸۱/۸ | ۷۵/۱ - | ۵/۱۰ - | ۹/۱ -

| درآمد اولیه کشور - | ۷/۰(i) - | ۴۸/۲ - | ۸/۰ - | ۳۸/۲ - | ۴۵/۱ - | ۴۸/۳ - | ۹/۰ - | ۲۱/۳ - | ۶۲/۱ - | ۰۲/۴ - | ۱۲/۱ - | -

| ۰۶/۳ | ۷۲/۱ - | ۷۱/۴ - | ۴۶/۱ - | ۸/۳ -

| سهم سرمایه‌گذاری از GDP کشور | ۲۸/۱(i) | ۸۷/۵ | ۲/۱ | ۶/۵ | ۲۱/۱ | ۷۹/۵ | ۱۵/۱ | ۳۱/۵ | ۲/۱ | ۸۹/۵ | ۲/۱ |

| ۵/۵ | ۷۳/۵ | ۱۲/۱ | ۷۳/۵ | ۱۴/۱ | ۴۳/۵

| سرمایه انسانی کشور | ۷۸/۵(i) | ۲۹/۳ | ۸/۵ | ۳/۳ | ۶۶۵ | ۸/۳ | ۶/۵ | ۳۵/۳ | ۷/۶ | ۰۹/۴ | ۱/۶ | ۵۴/۳ |)

| ۴۹/۶ | ۱۸/۴ | ۴/۶ | ۸/۳

| حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی کشور | | | | | ۱۲/۰(i) | ۵/۰

| کنترل فساد کشور | | | | | ۶۸/۰(i) | ۳۶/۲

| ثبات سیاسی کشور | | | | | ۴۹/۰(i) | ۲۱/۲

| حاکمیت قانون کشور | | | | | ۹۷/۰(i) | ۱۲/۳

| کیفیت بوروکراسی کشور | | | | | ۶/۰(i) | ۷۴/۱

| اثر بخشی دولت کشور | | | | | ۰۹/۱(i) | ۸۱/۳

| حکمرانی خوب در کشور | | | | | ۹۳(i) | ۷۱/۲

| عرض از مبدأ کشور عربستان | ۹,۸۷ | ۸,۷۳ | ۱۰,۴۴ | ۱۰,۹۴ | ۹,۶۶ | ۹,۷۲ | ۹,۲۱ | ۱۰,۰۶

| عرض از مبدأ کشور مالزی | ۱۰۸۶ | ۹,۷۵ | ۱۰,۴۱ | ۱۰,۵۲ | ۱۰,۸۲ | ۱۰,۳۶ | ۹,۸۸ |

| عرض از مبدأ کشور ایران | ۱۰,۰۶ | ۱۰,۸۶ | ۹,۷۵ | ۱۰,۴۱ | ۱۰,۵۲ | ۱۰,۸۲ | ۱۰,۳۶ | ۹,۸۸ |

| عرض از مبدأ کشور اندونزی | ۱۰,۸۷ | ۹,۷۳ | ۱۱,۴۴ | ۱۱,۹۴ | ۱۰,۶۶ | ۱۰,۷۲ | ۱۰,۲۱ | ۱۱,۰۶ |

| عرض از مبدأ کشور کویت | ۱۱,۸۶ | ۱۰,۷۵ | ۱۱,۴۱ | ۱۱,۵۲ | ۱۱,۸۲ | ۱۱,۳۶ | ۱۰,۸۸ | ۱۰,۴۴ |

| عرض از مبدأ کشور ترکیه | ۶,۸۶ | ۵,۷۵ | ۶,۴۱ | ۶,۵۲ | ۶,۸۲ | ۶,۳۶ | ۵,۸۸ | ۵,۴۴ |

| عرض از مبدأ کشور مصر | ۷,۰۶ | ۷,۸۶ | ۶,۷۵ | ۶,۴۱ | ۷,۵۲ | ۷,۸۲ | ۷,۳۶ | ۶,۸۸ |

| ۴۳/۰R | ۴۳/۰ | ۴۹/۰ | ۴۸/۰ | ۵۲/۰ | ۴۶/۰ | ۵۶/۰ | ۵۱/۰ |

جدول ۴: برآورد تخمین داده‌های ترکیبی اثرهای مولفه‌های نهادی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای

اسلامی در حالت اثرهای بین کشوری متغیر حکمرانی خوب

| متغیر | معادله اول | معادله دوم | معادله سوم | معادله چهارم | معادله پنجم | معادله ششم | معادله هفتم | معادله هشتم | معادله نهم | معادله دهم |

| ثابت | ۰۸/۱۲- | ۵۷/۳- | ۰۳/۱۴- | ۵۱/۲- | ۵۶/۲- | ۳۴/۱۴- | ۵/۲- | ۸/۱۳- | ۵/۲- | ۱۵/۲- | ۶/۱۱- | ۱۷/۲-)
| ۵۹/۱۰- | ۰۴/۲- | ۲۱/۱۲- | ۲۳/۲- | ۸۱/۸- | ۷۵/۱- | ۳۹/۱۵- | ۷۲/۲-)

| درآمد اولیه در کشور - | ۷/۰(i)- | ۴۸/۲- | ۷/۰- | ۲۳/۲- | ۶۴/۰- | ۰۳/۲- | ۸/۰- | ۳۸/۲- | ۴۵/۱- | ۴۸/۳- | ۹/۰-)
| ۲۱/۳- | ۶۲/۱- | ۰۲/۴- | ۱۲/۱- | ۰۶/۳- | ۷۲/۱- | ۷۱/۴- | ۹۱/۰- | ۵۶/۲-)

| سهم سرمایه‌گذاری از GDP در کشور | ۸۷/۵(۲۸/۱(i) | ۶۹/۵(۲۷/۱) | ۷۹/۵(۲۹/۱) | ۶/۵(۲/۱) | ۷۹/۵(۲۱/۱) | ۳۱/۵(۱۵/۱) | ۸۹/۵(۲/۱) | ۵/۵(۲/۱) | ۷۳/۵(۱۲/۱) | ۶۳/۵(۲۵/۱) |

| سرمایه انسانی در کشور | ۲۹/۳(۷۸/۵(i) | ۲۳/۳(۷۸/۵) | ۱۸/۳(۶۹/۵) | ۳/۳(۸/۵) | ۸/۳(۶۵/۶) | ۳۵/۳(۶/۵) | ۵۴/۳(۱/۶) | ۱۸/۴(۴۹/۶) | ۴۲/۳(۱۳/۶) |

| آزادی‌های مدنی در کشور - | ۱۶/۰(i) | ۲/۰-)

| حقوق سیاسی در کشور | ۰۲۱(i) | ۳/۰-)

| حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در کشور | ۱۲/۰(i) | ۵/۰-)

| کنترل فساد در کشور | ۶۸/۰(i) | ۳۶/۲-)

| ثبات سیاسی در کشور | ۴۹/۰(i) | ۲۱/۲-)

| حاکمیت قانون در کشور | ۹۳/۰(i) | ۹/۲-)

| کیفیت بوروکراسی در کشور | ۶/۰(i) | ۷۴/۱-)

کارایی دولت در کشور										(i) ۰۹/۱	(۸۱/۳)	
آزادی‌های اقتصادی در کشور										(i) ۲۵/۰	(۹۷/۰)	
عرض از مبدأ کشور عربستان		۰۷/۰	۳۵/۰	۱۵/۰	۳۸/۰	۳۴/۰	۱۸/۰	۲۷/۰	۲۶/۰	۳۴/۰	(۰۷/۱)	۰۸/۰ (۲۳/۰)
عرض از مبدأ کشور مالزی		۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۲۳/۱	۳۷/۱	۲/۱	۴/۱	۰۷/۱	۵/۱
عرض از مبدأ کشور ایران		۰۷/۱	۲/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	۱۷/۱	۹/۰	۰۷/۱	۷/۰	۰۶/۱	۷۵/۰	۰۴/۱
عرض از مبدأ کشور اندونزی		۴۳/۰	۳۸/۰	۶۵/۰	۴/۰	۰۳/۰	۳۱/۰	۱۸/۰	۲۷/۰	۲۴/۰	۴۲/۰	
عرض از مبدأ کشور کویت		۰۴/۱	۲۳/۱	۴۴/۱	۱۲/۱	۳۳/۱	۳۶/۱	۴۵/۱	۴۱/۱	۰۸/۱	۵۸/۱	
عرض از مبدأ کشور ترکیه		۱۲/۱	۰۶/۱	۱۲/۱	۱۲/۱	۹۲/۰	۲۵/۱	۸۵/۰	۰۵۲/۱	۸۴/۰	۳۶/۱	
عرض از مبدأ کشور مصر		۱۲/۰	۳۶/۰	۶۲/۰	۴۱/۰	۱۳/۰	۳۲/۰	۱۲/۰	۲۴/۰	۲۱/۰	۴۵/۰	
		۰۵۴R	۵۶/۰	۵۷/۰	۶۲/۰	۶۴/۰	۰۶۸	۰۶۹	۶۹/۰	۶۸/۰	۰۶۹	

توجه

در تحلیل و بررسی نتیجه‌ها موارد ذیل مورد توجه قرار گرفته است:

ا. تخمین‌ها به روش داده‌های ترکیبی انجام گرفته؛

ب. متغیر وابسته، نرخ رشد اقتصادی است؛

ج. اعداد داخل پرانتز مقدار آماره **t-student** را نشان می‌دهد.

تحلیل نتایج

در جدول ۳ معادله نخست مربوط به تخمین اثر عوامل اقتصادی بر رشد را به صورت کلی بدون در نظر گرفتن شاخص‌های کلی حکمرانی بیان کرده و جدول ۴ بیانگر حالتی از متغیرها به صورت متغیرهای حکمرانی اثرگذار به صورت مجزا در هر کشور است. نتیجه‌های به دست آمده از جدول ۳ از نظر علامت و معناداری هر سه عامل اقتصادی (درآمد سرانه اولیه، سرمایه فیزیکی و انسانی) مؤید نتیجه‌های مطالعه‌های پیشین است. ضریب مربوط به درآمد سرانه اولیه منفی و معنادار است که با مفهوم هم‌گرایی کشورهای فقیر با کشورهای پیشرفته قابل بیان است. هم‌گرایی، ویژگی مهم مدل نئوکلاسیک رشد

است که در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. مفهوم هم‌گرایی اخیراً به صورت فرضیه تجربی مورد بهره‌برداری واقع شده، برای سطح پایین درآمد سرانه اولیه، نرخ رشد GDP پیش‌بینی شده بالاست. باید توجه داشت که هم‌گرایی به شکل شرطی آن قابل پذیرش است، اگر همه اقتصادها فی نفسه مشابه باشند، مگر از نظر درآمد سرانه اولیه، در این صورت هم‌گرایی مشاهده خواهد شد. بارو (۱۹۹۶) بیان می‌کند که برای یک سطح داده شده از وضعیت اقتصادی (مانند: امید به زندگی و تحصیلات عالی اولیه، مرگ و میر پایین، مصرف پایین دولت، بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی-سیاسی و وضعیت‌های دیگر) نرخ رشد



به طور منفی به سطح اولیه GDP مرتبط خواهد بود. ویژگی همگرایی در مدل نئوکلاسیک از بازده نزولی سرمایه ناشی است. ضریب مربوط به دو متغیر سرمایه فیزیکی و انسانی مثبت و معنادار بوده و بر اساس مطالعه‌های پیشین بیانگر این است که هر چه یک کشور سطح سرمایه‌گذاری بالا و نیروی کار سالم و توانمند داشته باشد، رشد اقتصادی بالایی را شاهد خواهد بود، سرمایه انسانی در اشکال گوناگون خود به واسطه کانال‌های گوناگون به صورت مستقیم یا غیرمستقیم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طور مثال برخی از یافته‌ها نشان می‌دهند که بالا بودن نرخ تحصیلات عالی باعث بالا رفتن کارایی نیروی کار و همچنین سوددهی سرمایه جذب شده را نیز بالا برده و باعث تسریع رشد می‌شود. سطح بالای تحصیلات زنان باعث بالا رفتن آگاهی آنها درباره مسائل بارداری و کنترل جمعیت می‌شود که به طور غیرمستقیم رشد را متأثر می‌سازد.

در معادله دوم شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی (همان شاخص دموکراسی) اضافه شده و ضریب به دست آمده مثبت و غیر معنادار است: مطالعه‌های فراوانی درباره رابطه دموکراسی با رشد اقتصادی انجام شده که نتیجه‌های تقریباً متفاوتی را نشان می‌دهند، برخی از آنها اثر دموکراسی روی رشد را مثبت و برخی دیگر منفی ارزیابی می‌کنند و دسته دیگر نیز مانند آمار تیاسن فارغ از اثر مثبت یا منفی دموکراسی روی رشد، آزادی را به عنوان شکل کلی دموکراسی اساس توسعه می‌دانند و باور دارند داوری درباره اهمیت دموکراسی نباید محدود به نتیجه‌های اقتصادی آن باشد و این نوع نگرش را تنگ‌نظرانه می‌دانند، برخی از محققان بر این باور هستند که دموکراسی رشد را به طور غیرمستقیم و به واسطه کانال‌های متعددی تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتیجه‌های مطالعه تاورز و وگزیار (۲۰۰۱) نشان می‌دهند که دموکراسی از راه بهبود سرمایه انسانی و تا حدی پایین آوردن نابرابری درآمدی رشد را تسریع می‌کند، از طرف دیگر از راه کاهش نرخ انباشت سرمایه فیزیکی و تا حدی با افزایش نسبت مصرف دولتی به GDP باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود.

تفاوت در رژیم‌ها ممکن است رشد اقتصادی را به واسطه انتخاب‌های اجتماعی متفاوت تحت تأثیر قرار دهد. یک بخش اساسی از مخارج آموزشی به طور عمومی تأمین مالی شده بنابراین یک عامل توزیع مجدد قوی است؛ در صورتی که مطابق مبانی نظری مطرح شده دموکراسی‌ها درباره نیازهای اساسی مردم حساس‌تر از دیکتاتورها باشند، آنها سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سرمایه انسانی را بهبود بخشد.

درجه نابرابری درآمدی از انتخاب‌های اجتماعی ناشی می‌شود که به وسیله رژیم سیاسی متأثر شده انتظار بر این است که تغییر از دیکتاتوری به دموکراسی وزن بالایی را به ترجیح‌های افراد فقیر در تصمیم‌های جمعی بدهد. حق رأی افراد فقیر ممکن است فرایند سیاسی را در جهت منافع آنها هدایت کند و دولت را جهت توزیع مجدد درآمدی تحت فشار قرار دهند.

کنترل فساد، شاخص دیگر نهادی است که در معادله سوم اضافه شده و ضریب به دست آمده نیز مثبت و معنادار است. همان‌طور که در ادبیات مطرح شد برخی از محققان فساد را به صورت روغن لای چرخ‌های بوروکراسی سنگین اداری قلمداد کرده و بر این باور هستند که فساد از دو راه باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود:

أ. فعالیت‌های فاسدی مانند رشوه، پرهیز از تأخیرهای اداری را برای افراد ممکن می‌سازد؛

ب. زمانی که رشوه به صورت نرخ کارمزدی باشد در این صورت کارگزاران با جدیت و انگیزه بیشتر کار می‌کنند (باور، ۱۹۹۶).

اما مورو (۱۹۹۵) آن را نادرست دانسته و بیان می‌کند که پیشنهاد رشوه به ادارات باعث شکل‌گیری رویه‌ای می‌شود که کارهای اداری تا زمان پرداخت رشوه به کارکنان به تعویق می‌افتد و این باعث شکل‌گیری بوروکراسی سنگین برای کل اقتصاد و بالا بردن هزینه سرمایه‌گذاری و سرانجام تضعیف رشد اقتصادی خواهد شد، نتیجه‌های به دست آمده در مطالعه پیش‌گفته نیز مؤید این رویکرد درباره فساد است. یعنی سطح پایین فساد باعث تخصیص بهینه منابع عمومی و خصوصی، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. در معادله چهارم، شاخص ثبات سیاسی برآورد شده است، ثبات سیاسی از کانال



سرمایه‌گذاری روی رشد اثر می‌گذارد به طوری که در کشورهایی که احتمال کودتا، شورش‌های خیابانی، ترور و اشکال دیگر تغییر غیر مصالحت‌آمیز قدرت وجود دارد انگیزه برای سرمایه‌گذاری پایین بوده و سرمایه‌گذارها در چنین وضعیتی بر انتقال سرمایه خود به جاهای امن می‌کوشند. ضریب به دست آمده برای این شاخص مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و به این شکل قابل تفسیر است که در کشورهایی که انتقال قدرت به شکل دمکراتیک و مصالحت‌آمیز صورت می‌گیرد و شاهد کودتا، ترور و انقلاب نیستند، رشد اقتصادی بالایی اتفاق می‌افتد.

شاخص حاکمیت قانون در معادله پنجم مورد آزمون واقع شده است. ضریب حاصله مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی باشد، شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز باشد و ... این عوامل باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و به این وسیله باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شود. کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است و نتیجه‌های رگرسیونی مربوط به آن در معادله ششم نشان داده شده است. مطالعه‌ها نشان می‌دهند که بوروکراسی اداری سنگین و نظام مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را بر دولت در جایگاه اعمال‌گر و بر سرمایه‌گذاران یا به‌طور کلی شهروندان در جایگاه پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید و همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد، ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنادار است. البته غیر معناداری آن دال بر بی‌اهمیت بودن آن بر رشد نیست بلکه به واسطه وجود متغیر سرمایه‌گذاری که بخشی از اثر آن بر رشد از راه این متغیر صورت می‌گیرد قابل توجیح است. ضریب مربوط به شاخص اثربخشی دولت در معادله هفتم مثبت و معنادار است به این معنا که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت پیشین، توانمندی در انجام وظایف محوله در حوزه عمومی، سیاستگذاری به نفع کسب و کار و ... باعث تسریع در فرایند رشد می‌شود، چرا که دولت‌ها به‌طور معمول سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و افزون بر فعالیت مستقیم در حوزه‌های گوناگون اقتصادی فراهم‌کننده بستر مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی غیردولتی نیز هستند.

سرانجام واپسین معادله شامل شاخص حکمرانی خوب است که بیانگر کیفیت حکمرانی در کشور است. ضریب به دست آمده مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار است. به این معنا که هر قدر در کشور، دولت پاسخ‌گوتر و کارآمدتر و ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌ها کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدود باشد، رشد اقتصادی بالا است. سرانجام برآورد معادله‌های جدول ۴ با اضافه کردن متغیرهای نهادی دیگر حاکی است اثرگذاری متفاوت این متغیرهای شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی است، بنابراین کیفیت بوروکراسی یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی است که نتیجه‌های رگرسیونی مربوط به آن در معادله هشتم جدول نتیجه‌ها نشان داده شده است. اهمیت رژیم مقرراتی مؤثر در تشویق رشد اقتصادی و توسعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای علاقه در میان محققان را برای تحقیق در این حوزه در سال‌های اخیر دو چندان کرده است. نتیجه‌های مطالعه‌ها پیشنهاد می‌کند که بوروکراسی اداری سنگین و نظام مقرراتی ناکارآمد هزینه‌هایی را بر دولت در جایگاه اعمال‌گر و بر سرمایه‌گذاران یا به‌طور کلی شهروندان در جایگاه پذیرنده این مقررات تحمیل می‌کند که باعث بالا رفتن فساد و هزینه‌های تولید همچنین کاهش سرمایه‌گذاری و به تبع آن به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. همان‌طور که شاهد هستیم ضریب به دست آمده برای این شاخص مثبت اما غیر معنادار است، باید توجه داشت که معنادار نبودن آن به معنای بی‌اهمیت بودن آن برای رشد نیست بلکه وجود متغیر سرمایه‌گذاری در طرف راست مدل و ترکیب اثر این دو شاخص می‌تواند عامل آن شمرده شود.

کارآمدی دولت، ششمین و واپسین شاخص حکمرانی است که نتیجه‌های مربوط به تخمین آن در جدول نتیجه‌ها نشان داده شده و مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار است. این بیانگر این موضوع است که تعهد دولت به برنامه‌های درست دولت پیشین،

توانمندی دولت در حوزه وظایف محوله در عرصه عمومی، سیاستگذاری به نفع کسب و کار و ... باعث تسریع در فرایند رشد اقتصادی می شود چرا که دولت ها به طور معمول سهم بزرگی در اقتصاد اغلب کشورها دارند و افزون بر فعالیت مستقیم در حوزه های گوناگون اقتصادی فراهم کننده بستر مناسب برای فعالیت های اقتصادی غیردولتی نیز هستند.

آزادی اقتصادی یگانه شاخصی است که برای نهادهای اقتصادی در نظر گرفتیم که مثبت اما برخلاف پیش بینی غیر معنادار است، بنابراین سرانجام می توان میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی را در کشورهای اسلامی مانند: ایران، ترکیه، مصر و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر کمتر بوده است و علت آن را نیز در اجرای صحیح سیاست ها و قانون مداری و پدید ساختن زیرساخت های مناسب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی پیش از اجرای سیاست های گوناگون در این کشورها به ویژه درباره سیاست های اقتصادی دانست و از طرفی نظام ضمانت اجرایی قانون درباره فراهم ساختن زمینه کامیابی در اجرای سیاست ها و قاعده های بازی در بین نهادها در این کشور ضعف در نظام قضایی و مقرراتی کشورهای پیش گفته دانست. در حالت کلی، نخست اینکه نهادهایی که برای جوامع صنعتی اساسی هستند ممکن است در کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران زاید جلوه کند. پدید ساختن بازار بورس، بازار اوراق قرضه و اسناد خزانه و دفاتر تعیین نرخ اعتبارات، دفاتر اسناد و املاک و متروپولی و دفاتر یا مراکز استاندارد پرهزینه است و تصمیم در این باره که آیا آنها باید پیش از نیازهای بازار پدید آیند یا بعد بسیار دشوار است.

دوم: برخی از نهادها در شرایط وجود مشکل های نظام مند غیرمولد هستند؛ به طور مثال کارکنان دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی و دیگر کارکنان رسمی که با دستمزد بسیار ناچیزی روبه رو هستند، باعث می شوند که بخش دولتی به جای اینکه کمکی برای بازار باشد به مانع تبدیل می شود، برنامه ریزی نادرست و ضعیف درباره هزینه های بخش عمومی باعث محروم شدن نهادها از منابع و کاهش کارایی آنها می شود.

سوم: شاخص ها و معیارهای ساده ای برای نیازهای نهادی و اولویت آنها در کشورهای پیش گفته وجود ندارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در مقاله پیش رو با توجه به چگونگی اداره اقتصادی جامعه در صدر اسلام و ذکر نمونه هایی از آن ملاحظه کردیم که پیامبر اکرم توجه خاصی به عامل های نهادی در جهت تنظیم امور اقتصادی، رشد و توسعه داشتند که این همان نتیجه ای است که

اقتصاددانان غرب بعدها با تکمیل نظریه های رشد به آن رسیدند؛ به گونه ای که در این مطالعه تجربی نیز ما به همین نتیجه ها دست یافتیم، نتیجه هایی که از تخمین های انجام شده در مطالعه پیش رو به دست می آید بیانگر نقش مهم نهادها در عملکرد اقتصادی کشورها است و ضرایب مربوطه نشان می دهد که حکمرانی خوب یا در حقیقت نهادهایی که قدرت از راه آنها در یک کشور اعمال می شود اثر مثبت روی رشد اقتصادی دارند اما درباره شاخص دموکراسی همان طور که مطالعه های پیشین نشان داده، اثر دموکراسی روی رشد مبهم است اما رویکرد به نسبت قابل قبولی که در این مورد قابل اتکا است، اثر غیرمستقیم دموکراسی روی رشد از راه کانال هایی چون بهبود سرمایه انسانی است.

از نتیجه های به دست آمده می توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد اقتصادی دارند. سرانجام میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای ایران، مصر، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری داشته است اما باید توجه داشت همان طور که در متن نیز اشاره شد، اثر دموکراسی بر رشد بیشتر به عامل های نهادی دیگر مانند حقوق مالکیت و حقوق مدنی بستگی دارد چرا که در صورت وجود چنین نهادهایی دموکراسی از راه پاسخ گو نگه داشتن مسؤولان، شفافیت در عملکرد و جریان اطلاعات و

همچنین گرفتن تصمیم‌های مردمی که نمونه عالی آن را در صدر اسلام می‌توان ملاحظه کرد، باعث بهبود عملکرد اقتصادی می‌شود. افزون بر آزمون شاخص‌های شش‌گانه حاکمیتی به‌طور جداگانه متوسطی از این شاخص‌ها تحت عنوان شاخص حکمرانی خوب نیز مورد آزمون واقع شده است. ضریب به دست آمده برای این شاخص کلی مطابق پیش‌بینی مثبت و معنادار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود به خوبی عمل کرده، باعث تشویق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و ممانعت از فعالیت‌های ضد تولیدی مانند: رانت‌جویی، فساد و ... می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. ابوعبید، قاسم بن سلام، ۱۳۸۸ق، الاموال، تحقیق محمدخلیل هراس، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه.
۲. کتانی، شیخ عبدالحی، بی‌تا، التراتیب الاداریه، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳. بناء رضوی، مهدی، ۱۳۶۷ش، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، اول.
۴. داگلاس سی. نورث، ۱۳۷۷ش، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۵. غفاری، هادی، ۱۳۸۶ش، نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. مالک، محمدرضا، ۱۳۸۲ش، «وظایف و مسؤولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۲.
۷. موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۰ش، «عدالت: محور آموزه‌های اقتصادی اسلام»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۴.
۸. ویلی، برگستروم، ۱۳۷۸ش، دولت و رشد، ترجمه علی حیاتی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
9. Acemoglu, Daron and James A. Robinson, 2001, "A Theory of
10. Acemoglu Daron, Simon Johanson and James Robinson, 2004,
11. A.K.Fosu, 2001, "Political instability and economic growth in letters, www.sciencedirect.com
- .Political Transitions," American Economic Review, 91
- .institutions as the fundamental cause of long-run Growth", work paper"

developing economies: some specification empirics" Economics

–Barro, R. J. 1996, Determinants of economic growth: A Cross .12

Determinants of Democracy. Journal of political ,1999 ,13

Rule of law, Democracy, and economic ,2000, .14

,Bennedsen Morten, Malchow-moller, vinten Fredrik, 2005 ,15

.for Economic and Business Research (CEBR)

.country empirical study. NBER working paper 5698

Economy, vol. 107, no. 6

.performance, index of Economic Freedom, Ch 2

Institutions and Growth- a Literature Survey. Report 2005-1. Center

Butkiewicz L. James and Yanikkaya, 2006, Institutional quality .16

.institutions, or both? Journal of Economic modeling 23, 648- 661

Easterly, William, and Mirvat Sewadeh, 2002, "Global .17

/site, <http://www.worldbank.org/research/growth>

.<http://freedomhouse.org/ratings/index.htm>

and economic growth; maintenance of the rule of law or democratic

.Available online at www.sciencedirect.com

Development Network Growth Database" on the World Bank web

.Freedom House, 2006, Freedom IN THE world ,18

Gagliadi Francesca, 2007, "Institutions and economic change: A .19

evidence", The Journal of Socio-Economics. www.sciencedirect.com

"?and Andrei Sshleifer, 2004, "Do Institutions Cause Growth

.Gurr and marshal, 2000, of the Polity IV data set .21

critical survey of the new institutional approaches and empirical

,Glaeser.L. Edward, Rafael La Porta, Florenico Lopez-de-Silanes .20

.working paper

.<http://www.cidcm.umd.edu/inscr/polity>

.Hali Edison and Nicola Spat for, 2004, Growth and institutions, Ch 3 .22

.Countries Produce

.of Economics, 114

Hall, Robert E. and Charles I. Jones, 1999, "Why Do Some .23

So much more Output per Worker than others?" Quarterly Journal .24

Jalilian Hossein, Kirkpatrick Colin and Parker David, 2006, The .25

.Cross-Country Analysis. World Development vol, 35, no. 1

.Evidence", the World Bank Research Observer, vol. 15, no. 1

.matters V: Governance indicators for 1996-2005, World Bank

Knack, Stephen, Philip Keefer. 1995, "Institutions and Economic .28

.Measures", Economics and Politics 7

Impact of Regulation on Economic Growth in developing Countries: A

Janine Aron, 2000, "Growth and Institutions: A Review of the .26

Kauffman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. 2006, Governance .27

Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional

:Lipset, S. M. 1959, "Some Social Requisites of Democracy" .29

.Political Science Review 53

Economic Development and Political Legitimacy." American

Matsuo Hiroshi, 2006, the rule of law and economic .30

Mauro, P. 1995, Corruption and Growth, Quarterly Journal of .31

,Polterovich victor and popov Vladimir, 2006, Democratization .32

Romer, Paul M. 1990, "Endogenous Technical Change," Journal ".33

Summers, Robert, and Heston, Alan. "The Penn World Table .34

?development: a cause or a result

.Economics, Vol. 110

.quality of institutions and economic growth. Working paper

.of Political

.(Mark 6.2): An Expanded Set of International Comparisons

www.nber.org

.Tavares Jose, Wacziarg Romain (2001). How democracy affects growth ,35

Vijayaraghavan Maya and Ward A. William, 2005, Institutions .36

.Analysis. NBER Working paper

European Economic Review 45. www.elsevier.com/locate/econbase

and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross- National